

خوش خرامان می روی ای جان جان بی من مرو

شماره پرسش: ۲۷۳۵۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۱/۲۵ ۰۷:۱۴:۵۰

متن پرسش

سلام علیکم: و... آتشی بر جان است که شعله های آن از سرزمین آشنایی با حق تا صحرای ظلمت گونه دنیا وسعت یافته و سراپای هستی را در عمق وجود صدا می زند. از پیله های خواسته های خود خسته و بسوی ساحل انس با حق موج سوار امیدوارانه به افق می نگرَد. دستی به عقل (فلسفه، کلام و...) و دلی به قرآن عشق، نهج البلاغه و زبانی در پی گفت عاشقانه (ادعیه اهل البیت (ع)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تنها برای تو این غزل را دارم که مولوی برای شمس از عمق جاننش به ظهور آورده است. موفق باشید

خوش خرامان می روی ای جان جان بی من مرو

ای حیات دوستان در بوستان بی من مرو

ای فلک بی من مگرد و ای قمر بی من متاب

ای زمین بی من مروی و ای زمان بی من مرو

این جهان با تو خوش است و آن جهان با تو خوش است

این جهان بی من مباش و آن جهان بی من مرو

ای عیان بی من مدان و ای زبان بی من مخوان

ای نظر بی من مبین و ای روان بی من مرو

شب ز نور ماه روی خویش را بیند سپید

من شبم تو ماه من بر آسمان بی من مرو

خار ایمن گشت ز آتش در پناه لطف گل

تو گلي من خار تو در گلستان بي من مرو
در خم چوگانتي مي تازم چو چشمت با من است
همچنين در من نگر بي من مران بي من مرو
چون حريف شاه باشي اي طرب بي من منوش
چون به بام شه روي اي پاسبان بي من مرو
واي آن كس كو در اين ره بي نشان تو رود
چو نشان من تويي اي بي نشان بي من مرو
واي آن كو اندر اين ره مي رود بي دانشي
دانش راهم تويي اي راه دان بي من مرو
ديگرانتي عشق مي خوانند و من سلطان عشق
اي تو بالاتر ز وهم اين و آن بي من مرو